

مثلث تقلب

دکتر رضا نظری

استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

محمد صیادی

کارشناس ارشد حسابداری

مبارزه برای بقا فریبکاری می آورد

گوین نترلر

تاکنون نظریه‌ها و دیدگاه‌های زیادی در مورد عوامل به وجود آورنده‌ی تقلب ارائه شده است که هر کدام سعی در ارائه‌ی نظر درباره‌ی عناصر تشکیل دهنده‌ی تقلب داشته‌اند. دامنه‌ی این دیدگاه‌ها از رشته‌های مالی و علوم اداری تا حقوق و روان‌شناسی کشیده شده است و تقلب را به موضوعی بین‌رشته‌ای تبدیل کرده است. در این مقاله سه نظریه در مورد تقلب معرفی شده و در مورد عناصر هر کدام بطور مختصر بحث شده است. این نظریه‌ها عبارتند از: مثلث تقلب، نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده و مفهوم جرم CRIME که به ترتیب تشریح شده‌اند.

□ مقدمه

عجیب، فریبکارانه و ماهرانه برای فریب دیگران است یک قاعده‌ی قطعی برای تعریف آن وجود ندارد" (فاوچی، ۱۳۸۳). می‌توان اشکال مختلف تقلب را در حوزه‌ی مالی مشاهده کرد: صورت‌های مالی متقلبانه، تقلب کارکنان، فروشنده، مشتری، تقلب‌های سرمایه‌گذاری، تقلب‌های ورشکستگی و مواردی از این دست نمونه‌هایی از انواع تقلب است (مرادی و سلیمانی مارشک، ۱۳۹۰).

تقلب حسابداری را نیز این گونه می‌توان تعریف کرد (بولو، ۱۳۸۲): اعمال فریب‌کارانه‌ی عمدی در فرایند تولید اطلاعات حسابداری شرکت به منظور کسب سود غیرقانونی یا غیرمنصفانه.

نگاهی به تحولات و حوادث رخ داده اخیر در حوزه‌ی اختلاس‌های بانکی پرداختن به مقوله‌ی تقلب را اهمیت دوچندان بخشیده است. در تعریف تقلب دافیلد و گرابوسکی در مقاله‌ای تحت عنوان "روان‌شناسی تقلب"، تقلب را به معنی به دست آوردن چیز با ارزش یا اجتناب از یک تعهد به وسیله‌ی فریب و نیرنگ تعریف کرده‌اند. بنابراین فصل مشترک همه‌ی تقلب‌ها نیت گول زدن به منظور رسیدن به نفع شخصی است. بدین لحاظ تقلب به دلیل "قصد گول زدن" با "اشتباه" تفاوت دارد. به گفته‌ی بخش ۲-۵ رهنمودهای آسوسای برای مبارزه با تقلب و فساد: "از آنجایی که تقلب شامل روش‌های نادرست،

■ مثلث تقلب

مثلث تقلب با مثلث آتش مقایسه می‌شود. برای این که آتش سوزی رخ دهد به سه عنصر اساسی نیاز است: اکسیژن، سوخت و گرما. ترکیب این سه عنصر مثلث آتش را تشکیل می‌دهد که در شکل یک نمایش داده شده است. هنگامی که این سه عنصر با هم ترکیب شوند آتش سوزی رخ خواهد داد. مأمور آتش نشانی می‌داند که با حذف هریک از این سه عنصر به راحتی می‌تواند آتش را مهار کند (وکیلی فرد و دیگران، ۱۳۸۸).



شکل یک: مثلث آتش

چارچوب مثلث تقلب^۱ که به صورت رسمی توسط حرفه‌ی حسابرسی به عنوان بخشی از بیانی‌های استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹ آمریکا (SAS#99) انتخاب شده است دارای عناصری مشابه عناصر تشکیل دهنده‌ی مثلث آتش است. اصطلاح مثلث تقلب را پروفسور دونالد کریزی^۲ و هنگام مطالعه‌ی وی در مورد اشکال تقلب مطرح شد. پروفسور کریزی سه عامل "فشار"، "فرصت" و "توجیه" را عوامل مؤثر در وقوع تقلب می‌دانست به گونه‌ای که به اعتقاد وی بدون وجود این سه شرط، تقلب به جایی ختم نمی‌شود. دیدگاه مثلث تقلب در شکل دو نمایش داده شده است.



شکل دو: مثلث تقلب

براساس بررسی موسسه‌ی حسابرسی KPMG از حجم تقلب، گزارشگری مالی متقلبان‌ه از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳، دو برابر شده است. افزایشی این چنین در حجم تقلب‌ها و در نتیجه ورشکستگی شرکت‌های بزرگ مثل انرون، نظر پژوهشگران در رشته‌های غیر مالی مثل حقوق و روان‌شناسی را نیز به خود جلب کرده است. آنان نیز تحقیقات زیادی در این زمینه انجام داده‌اند تا مفهوم تقلب، علل و زمینه‌های ارتکاب آن را موشکافی کنند و سپس برای جلوگیری از آن راه‌حلی پیشنهاد کنند. در این بین حرفه‌ی حسابرسی در آمریکا با جایگزین کردن بیانی‌های شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی تحت عنوان ارزیابی تقلب در صورت‌های مالی که جایگزین بیانی‌های شماره ۸۲ شد، حرکتی در این راستا را آغاز کرد.

استاندارد شماره ۹۹ از سری بیانی‌های استانداردهای حسابرسی، سنگ بنای برنامه‌ی جامع و ضد تقلب انجمن حسابداران رسمی آمریکا به شمار می‌رود که هدف آن بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه است. یکی از الزامات جدید در استاندارد ۹۹ که به خودی خود مفهوم جدیدی در ادبیات حسابرسی به شمار می‌رود مفهوم "توفان مغزی" است که به موجب آن تیم حسابرسی باید برای بررسی احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی در مراحل قبل و طی فرایند گردآوری اطلاعات با هم نشست و مباحثه کند. این استاندارد تأکید کرده است که توفان مغزی روشی لازم‌الاجرا است و باید با دقتی مشابه سایر روش‌های حسابرسی به کار گرفته شود.

تحقیقات انجام شده برای اندازه‌گیری عناصر نظریه‌هایی مانند مثلث تقلب، نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده و مفهوم CRIME در حسابرسی خود به معنی روی‌آوری حرفه‌ی حسابرسی به کمک گرفتن از رشته‌های علوم رفتاری مثل روان‌شناسی، علوم اجتماعی و به‌طور خاص روان‌شناسی اجتماعی است. عمده‌ی مباحث این نظریه‌ها حول عناصری مانند انگیزه، فرصت و توجیه است که در این مقاله معرفی شده است.

تحقیقات نشان داده است که افراد با خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی مشخص احتمال رخ دادن تقلب را افزایش می‌دهند. این موضوع نیز در نظریه‌ی لوزی تقلب که شکل گسترش یافته‌ی مثلث تقلب محسوب می‌شود، بحث شده است. این مقاله به ترتیب به معرفی مثلث تقلب، نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده و مفهوم CRIME می‌پردازد و در پایان جمع‌بندی صورت می‌گیرد.

براساس شکل دو، تقلب معمولاً در صورت بروز سه وضعیت زیر رخ می‌دهد:

• مدیریت یا سایر کارکنان در پی انگیزه‌ای^۳ یا تحت فشار^۴ خاصی مرتکب تقلب می‌شوند.

• وضعیت موجود فرصتی^۵ را برای ارتکاب تقلب فراهم می‌کند. مثلاً نبود کنترل، نامناسب بودن کنترل‌های موجود یا توانایی مدیریت برای زیر پا گذاردن آن.

• افرادی که مرتکب اعمال متقلبانه می‌شوند قادر به توجیه^۶ عمل خود هستند و بعضی از این افراد دارای رویکرد^۷، ویژگی یا مجموعه‌ای از اصول اخلاقی هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا آگاهانه و به عمد تخلفاتی را مرتکب شوند.

بنابراین برای این که یک تقلب انجام شود باید سه عامل انگیزه، فرصت و توجیه وجود داشته باشد. بدین معنی که شخص تحت فشار خاصی (مثلاً وضعیت مالی نامناسب) انگیزه‌ی تقلب پیدا کند و دنبال فرصتی است تا آن را به واقعیت برساند و سپس با دلیل تراشی نزد خود، عمل متقلبانه خود را توجیه می‌کند. پس همانند عناصر مثلث آتش، عناصر مثلث تقلب دارای ارتباط متقابل هستند. در ایجاد آتش مقداری سوخت و اکسیژن و گرما باعث روشن شدن آتش می‌شود. در تقلب نیز به فرصت برای ارتکاب تقلب یا مقدار زیادی سختی و فشار و مقداری توجیه عقلی نیاز است تا فرد انگیزه برای ارتکاب تقلب را پیدا کند.

انگیزه و فشار

معنی انگیزه (Incentive) در فرهنگ لغت آکسفورد به دو صورت آمده است:

۱. چیزی که شخصی را تشویق به انجام کاری می‌کند یا انگیزه‌ی او را برای آن کار برمی‌انگیزد
۲. پرداخت یا اعطای امتیاز برای کسب محصول یا سرمایه‌گذاری بیشتر

فشار (Pressure) نیز این‌گونه معنی شده است:

۱. نیروی فیزیکی که به‌طور مستمر بر شیء یا شخصی بر خلاف جهت آن وارد می‌شود.
 ۲. استفاده از تهدید برای وارد کردن فرد به انجام کاری.
- برای نمونه مدیریت انگیزه‌های زیادی برای بیش از واقع نشان دادن سود دارد. این انگیزه‌ها در نتیجه‌ی تحمیل فشارهای زیراست:

- تمایل به مخفی نگه‌داشتن وضعیت مالی نامناسب،
- تمایل به نقض شرایط قراردادها،
- تمایل به جذب تأمین مالی از بیرون با حداقل هزینه،
- علاقه به ارائه سود موردانتظار،
- علاقه به اظهار شایستگی و تقویت شهرت در حرفه، و

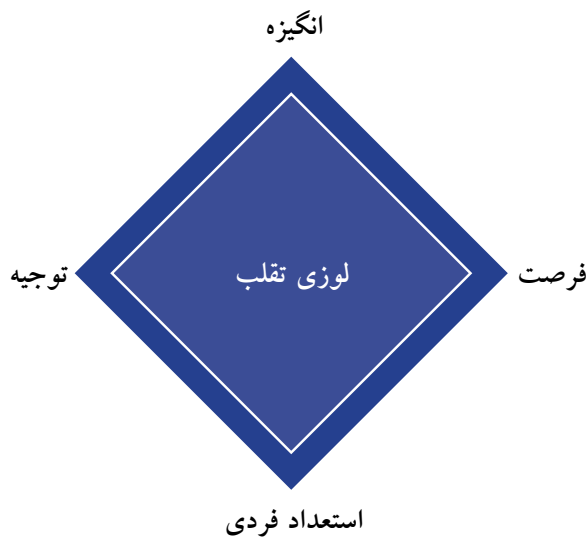
• علاقمند بودن به نگه‌داشتن قیمت‌های سهام در سطحی بالا برای دستیابی به منافع حاصل از جبران (مثلاً جبران حقوق سهام‌داران و...) و حفظ موقعیت و منافع تجاری داخلی. این موارد برخی از عوامل برانگیزاننده‌ی قصد مدیریت برای انجام تقلب است. اما تقلب کارکنان نیز به سبب انگیزه و فرصت وقوع می‌یابد. انگیزه ممکن است نیاز مالی یا آزمندی، خودبینی، ناسازگاری‌های رفتاری یا روان‌رنجوری باشد. بیش‌ترین تقلب‌های حین کار دلایل اقتصادی دارند. انگیزه‌ها و فرصت‌ها در یکدیگر تأثیر می‌گذارند: هرچه نیاز مالی شدیدتر باشد، سستی کمتری در کنترل‌های داخلی لازم است تا تقلب ممکن گردد و هرچه ضعف کنترل‌ها بیشتر باشد انگیزه‌ی ضعیف‌تری برای ارتکاب تقلب کفایت می‌کند.

فرصت

تاریخ نشان داده است که با وجود محرک‌هایی چون فشار، انگیزه و توجیه، برخی از افراد ممکن است توجه خود را به سوی فرصت‌هایی (ضعف‌هایی) که در ساختار کنترل‌های داخلی یک شرکت وجود دارد، معطوف دارند که می‌تواند اجازه‌ی ارتکاب تقلب را به آنان بدهد. از بین این سه شرط برای ارتکاب تقلب، فرصت یکی از محرک‌هایی است که می‌تواند به‌طور بسیار مؤثری ریسک‌های تقلب را افزایش دهد. این عامل مهم در وقوع رفتار متقلبانه را کشف، از آن جلوگیری و در نهایت آن را از بین ببرد، مهار و مدیریت شود. به عنوان بخشی از محیط کنترلی، پنج کنترل کلیدی ضد تقلب وجود دارد که شرکت‌ها می‌توانند اجرا کنند. این پنج عامل عبارتند از:

- کمیته‌ی حسابرسی قوی و واقعاً مستقل (برای جلوگیری از تقلب)
- انجام ارزیابی مشروح از ریسک تقلب (برای جلوگیری از تقلب)
- ارتقای ابزارهایی برای گزارشگری مؤثر از فعالیت‌های نامناسب و مشکوک (برای کشف و از بین بردن تقلب)
- سیاست ضد تقلب و آموزش‌های مناسب (برای جلوگیری و از بین بردن تقلب)
- واکنش نسبت به ادعاهای احتمالی تقلب (برای کشف و از بین بردن تقلب)

رسیدگی‌های حسابرس شامل دو نوع آزمون رعایت کنترل‌ها و آزمون‌های محتوایی است. در بخش آزمون‌های رعایت کنترل‌ها، حسابرس به دنبال این است که آیا کنترل‌های داخلی فرصت ارتکاب تقلب را از کارکنان گرفته است یا خیر. معنی واژه‌ی "فرصت" (Opportunity) در فرهنگ لغت



شکل سه: لوزی تقلب

حجم زیادی از تقلب‌ها خصوصاً تقلب‌های میلیون دلاری نمی‌توانست انجام گیرد مگر با کمک شخصی که توانایی و استعداد بسیار در این زمینه داشته است.

به باور ولف و هرمن سان (۲۰۰۴) فرصت، راه را برای تقلب باز می‌کند. انگیزه و توجیه، شخص را به سوی آن می‌کشاند، منتها شخص باید قابلیت و استعداد شناخت راه باز شده به عنوان یک فرصت و برخورداری از مزیت آن را داشته باشد. بنابراین براساس دیدگاه لوزی تقلب این فرایند به گونه‌ی زیر است:

- انگیزه: من می‌خواهم یا نیاز به ارتکاب تقلب دارم.
- فرصت: ضعفی در سیستم وجود دارد که من می‌توانم از آن بهره‌برداری کنم.
- توجیه: من خودم را متقاعد کرده‌ام که این رفتار متقلبانه ارزش ریسک کردن را دارد.
- شایستگی و استعداد: من استعداد و توانایی انجام این کار را دارم. من این فرصت تقلب طلایی را شناسایی کرده‌ام و می‌توانم آن را به واقعیت برسانم.

نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده

مفهوم نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده^{۱۱} را نخستین بار آیزن (Ajzen, 1991, 2001) در رشته‌ی روان‌شناسی اجتماعی (که برخی کارشناسان آن را در حکم مطالعه‌ی علمی رویکردها می‌دانند مطرح کرد. این نظریه بر نقش قصد و نیت^{۱۲} یا همان برنامه‌ریزی در تشریح رفتار تأکید می‌کند و مدعی است که قصد و نیت برای انجام رفتارهای مختلف را می‌توان از راه‌های

آکسفورد به معنای "زمان یا مجموعه‌ای از موقعیت‌هایی است که انجام کاری را ممکن می‌سازد" و "یا شانس برای استخدام یا ارتقا" آمده است. برای مخفی نگه داشتن برخی از مشکلات (انگیزه) مدیران به دنبال فرصتی برای انجام تقلب هستند که در ادبیات حسابرسی به تقلب مدیریت شهرت یافته است.

توجیه

"خودم آن را به دست آورده‌ام"، "من فقط آن را قرض گرفته‌ام و قصد دارم وقتی اوضاع بهتر شد آن را برگردانم" این‌ها از جمله معروف‌ترین توجیهات در مواجهه با متقلبانی است که در صدد سوءاستفاده و اختلاس از دارایی‌ها هستند. براساس فرهنگ لغت آکسفورد، توجیه (Rationalization) به معنی "تلاش برای توضیح یا توجیه دربارهی (رفتار یا یک رویکرد) با دلایل منطقی [است] ولو این رفتار نامناسب باشد". بولونا و لیندکوئیست در توضیح این‌که چرا افراد تقلب می‌کنند می‌گویند:

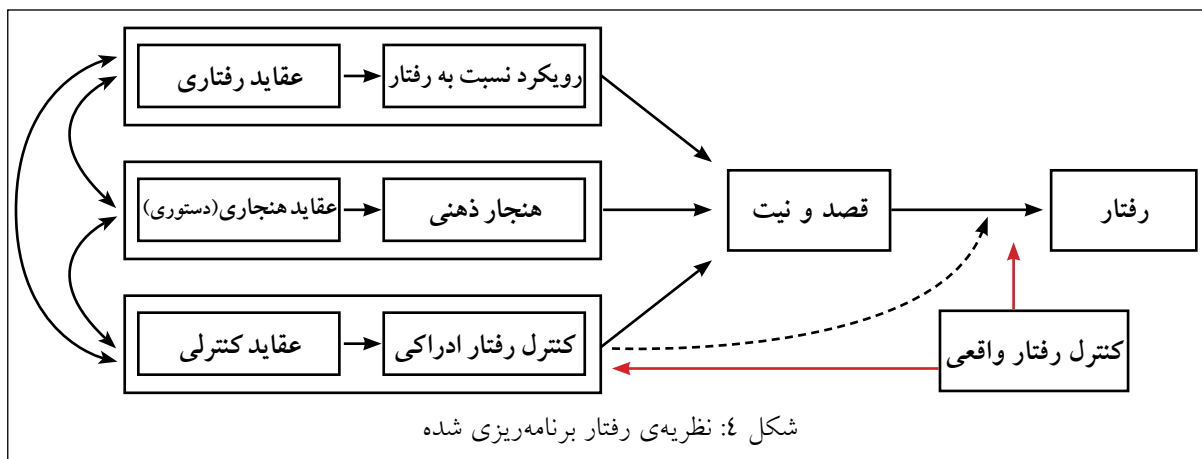
"به‌طور کلی جایی که بقای شخصی، وابسته به شرایط رقابتی باشد این شرایط ممکن است انگیزه‌ای باشد هم برای رفتار صادقانه هم برای نادرستی. آن‌جا که بقای کسی در خطر باشد ممکن است راه و روش ناصادقانه در پیش گرفته شود یا راه و روش صادقانه. وقتی که رقابت شدید و چنان باشد که قوی‌تران ضعیف‌تران را از پای در آورند نداشتن صداقت را به‌آسانی می‌توان توجیه کرد. آن‌گاه فریب‌کاری سلاحی در ستیزه بقا می‌گردد. به بیانی دیگر از مبارزه برای بقای اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی غالباً رفتار فریب‌کارانه پدید می‌آید".

آنان همچنین می‌افزایند:

انگیزه‌های ارتکاب تقلب را در فعالیت‌های تجاری با این مثل قدیمی توجیه می‌کنند "در جنگ و عشق هر کاری صحیح است همچنین در معامله‌گری" که به هر حال خلاف اخلاق است.

مثلث تقلب یا لوزی تقلب

نویسندگان مثل ولف و هرمن سان^{۱۳} (۲۰۰۴) معتقدند که مثلث تقلب می‌تواند با در نظر گرفتن عنصر چهارمی موجب تقویت کشف و جلوگیری از تقلب شود. این عنصر چهارم که مثلث تقلب را به لوزی تقلب^{۱۴} تبدیل می‌کند، "استعداد و قابلیت فردی"^{۱۵} است، که در کنار سه عنصر انگیزه، فشار و توجیه به‌طور واقعی نقش مهمی در رخداد تقلب ایفا می‌کند. شکل سه لوزی تقلب را نشان می‌دهد.



زیر پیش‌بینی کرد:

• رویکرد نسبت به رفتار^{۱۳}

• هنجارهای ذهنی^{۱۴}

• کنترل رفتار ادراکی^{۱۵} (درک شده)

در واقع هر گونه رفتاری با قصد و نیتی شروع می‌شود که پیش‌زمینه‌ی این قصد و نیت، رویکرد، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراکی است. این نظریه تحت عنوان "تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده" شناخته می‌شود که عناصر آن در شکل چهار نمایش داده شده و در ادامه به ترتیب تشریح می‌شود.

رویکرد نسبت به رفتار

واژه‌ی رویکرد (Attitude) در فرهنگ لغت آکسفورد، "روش فکر کردن یا احساس درباره‌ی چیزی" و "وضعیتی از بدن که نشان دهنده‌ی حالت ذهنی خاصی است" تعریف شده است. در رشته‌ی روان‌شناسی اجتماعی "ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را رویکرد شخص نسبت به آن چیز گویند".

براساس نظر آین^{۱۶} رویکرد نسبت به رفتار (مثل رفتار تقلب‌آمیز) اشاره به درجه‌ای دارد که شخص یک ارزیابی یا برآورد مساعد یا نامساعد از رفتار مورد بحث دارد. بی‌لی^{۱۷} می‌افزاید که رویکرد نسبت به رفتار به‌وسیله‌ی اعتقاد و باور یک شخص تعیین می‌شود و این رفتار منجر به پی‌آمدهای معینی می‌شود و ارزیابی شخص از آن پیامدها به‌گونه‌ای مساعد یا نامساعد تعیین می‌گردد. بنابراین می‌توان ارزیابی شخص در جست‌وجوی رفتار متقلبانه از امکان انجام و نتایج رفتار متقلبانه خود را رویکرد فرد نسبت به آن رفتار نامید.

هنجار ذهنی

کوهن و دیگران^{۱۸} (۲۰۰۹) تعاریف زیر را از هنجار ذهنی نقل قول می‌کنند:

کنترل رفتار ادراکی

کوهن و دیگران (۲۰۰۹) تعاریف زیر را از کنترل رفتار

فیش‌بین و آین^{۱۹} (۱۹۷۵) هنجار ذهنی را تحت عنوان "ادراک شخص از نظر افرادی که برای او مهم هستند و فکر می‌کند که او باید یا نباید رفتار مورد بحث را انجام دهد" تعریف می‌کنند. بک و آین^{۲۰} (۱۹۹۱) این مفهوم را به عنوان "فشار اجتماعی مشاهده‌شده برای انجام دادن یا ندادن رفتار تعریف می‌کنند." آین و درایور^{۲۱} (۱۹۹۲) هنجارهای ذهنی را با سؤال زیر اندازه‌گیری می‌کنند: بیشترین افرادی که برای من مهم هستند از استخدام من در این کار یا فعالیت پشتیبانی یا با آن مخالفت می‌کنند. آن‌ها همچنین پرسیدند که: بیشتر افرادی که در زندگی من مهم هستند فکر می‌کنند که من باید در همین فعالیت به کارگماشته می‌شدم. در تحقیق مبتنی بر پیش‌بینی فعالیت‌های تقلب‌آمیز بک و آین (۱۹۹۱) سؤالات زیر را مطرح کردند:

۱- اگر من در یک آزمون یا امتحان تقلب کنم بیشتر افرادی که برای من مهم هستند مرا سرزنش می‌کنند.

۲- کسانی که برای من مهم نیستند فکر می‌کنند که تقلب در آزمون یا امتحان بسیار خوب است: موافق ام مخالفم.

۳- بیش‌تر افرادی که برای من مهم هستند در صورتی که من در آزمون یا امتحان تقلب کنم با نگاه‌شان مرا مورد استهزا قرار می‌دهند: احتمال دارد احتمال ندارد.

از این تعاریف و پرسش‌ها به نظر می‌رسد که هنجارهای ذهنی نه با یک محرک اقتصادی و حتی نه با یک انگیزه‌ی اجتماعی مرتبط هستند بلکه به ادراکات شرکت‌کننده بر اساس نظر تعدادی از افرادی که برای شرکت‌کننده در رفتار مهم هستند اشاره دارند. در مورد حساسی و تقلب مدیریت می‌توان از این بحث این‌گونه برداشت کرد که به‌دلیل فشارهای ناشی از تحقیر نزد رقبای، مدیر رفتاری تقلب‌آمیز را مرتکب می‌شود.

ادراکی نقل قول کرده‌اند:

آین (۱۹۸۸) کنترل رفتار ادراکی (درک شده) را تحت عنوان "سادگی یا مشکل بودن انجام رفتار" تعریف می‌کند و فرض کردند که عمل به این رفتار، تجربه‌ی گذشته و همچنین موانع و مشکلات پیش‌بینی شده را منعکس کند. آین و درایور (۱۹۹۲) برای اندازه‌گیری کنترل رفتار ادراکی سؤالات زیر را مورد پرسش قرار دادند: برای من استخدام در این فعالیت آسان یا مشکل است و معتقدم که ظرفیت مورد نیاز برای اجرای این فعالیت را دارم. در تحقیق مبتنی بر فعالیت‌های قلب‌آمیز بک و آین (۱۹۹۱) سؤالات زیر را مطرح کردند: "برای من قلب در یک آزمون یا امتحان مشکل یا ساده است." "اگر بخواهم می‌توانم در امتحان یا آزمون قلب کنم" و "من می‌توانم زمانی را که احتمال قلب در امتحان وجود دارد تصور کنم ولو برای آن برنامه‌ریزی نکرده باشم" و "حتی اگر من دلیل خوبی داشته باشم نمی‌توانم خودم را نسبت به قلب در امتحان متقاعد کنم".

به عبارت دیگر، کنترل رفتار ادراکی به توانایی شخص برای انجام رفتاری مبتنی بر رفتار گذشته‌ی آن‌ها، شایستگی و هرگونه موانع مورد انتظاری که آن‌ها ممکن است با آن برخورد کنند، اشاره دارد. این همان چیزی است که در نظریه‌ی لوزی

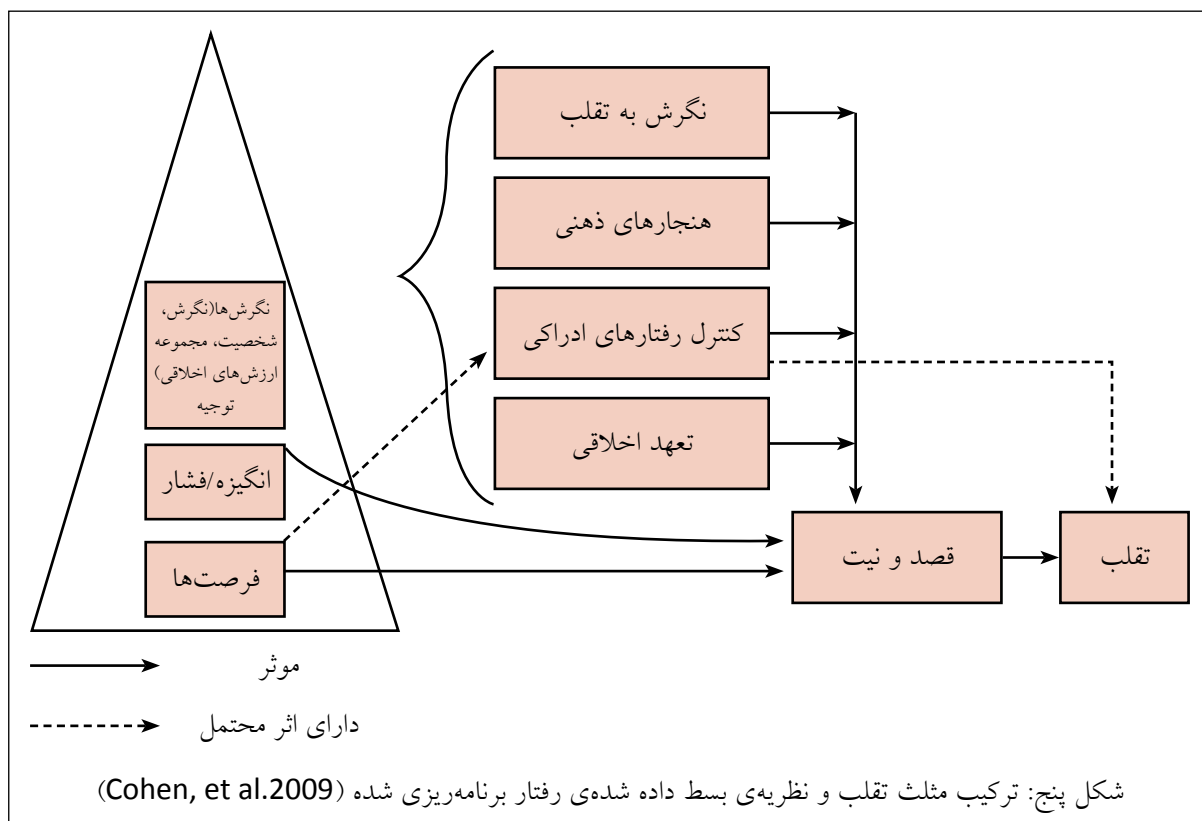
تقلب تحت عنوان قابلیت فردی از آن یاد شده است.

ترکیب مثلث تقلب و نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده

دیدگاه مثلث تقلب و نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده هر دو برای تحلیل تقلب مورد استفاده قرار گرفته‌اند و کوهن و دیگران (۲۰۰۹) به صورت شکل پنج این دو نظریه را با هم ترکیب کرده‌اند (گفتنی است که محققان جدید نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده را با عنصر جدید تعهد اخلاقی آمیخته و کوهن و دیگران از شکل بسط داده شده‌ی نظریه برای ترکیب مثلث تقلب و نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده استفاده کرده‌اند).

به اعتقاد کوهن و دیگران (۲۰۰۹) این دو نظریه به یک اندازه از مفهوم رویکرد استفاده نمی‌کنند. مفهوم رویکرد در مثلث تقلب، مفهومی گسترده است که سه بعد سنتی نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده یعنی رویکرد، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراکی را در برمی‌گیرد. این مفهوم همچنین می‌تواند شامل بعد چهارم یادشده در بالا یعنی تعهد اخلاقی^{۲۲} باشد. زیرا احتمالاً به نظر می‌رسد که موضوعات اخلاقی در حالت رفتارهای متقلبانه مسکوت باشند.

دومین و سومین جزء از اجزای مثلث تقلب یعنی "انگیزه/ فشار" و "فرصت" تحت شمول نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده



Cooks + Recipes + Incentives + Monitoring = End Results

نبود نظارت + انگیزه + روش های تقلب + حساب آرایه
نتایج نهایی =

حروف اول هر کلمه با هم تشکیل مفهومی را می دهد که می توان آن را جرم (CRIME) معنی کرد که تعامل و ارتباط بین آنها در شکل شش نمایش داده شده است. در ادامه به تشریح هر کدام می پردازیم.

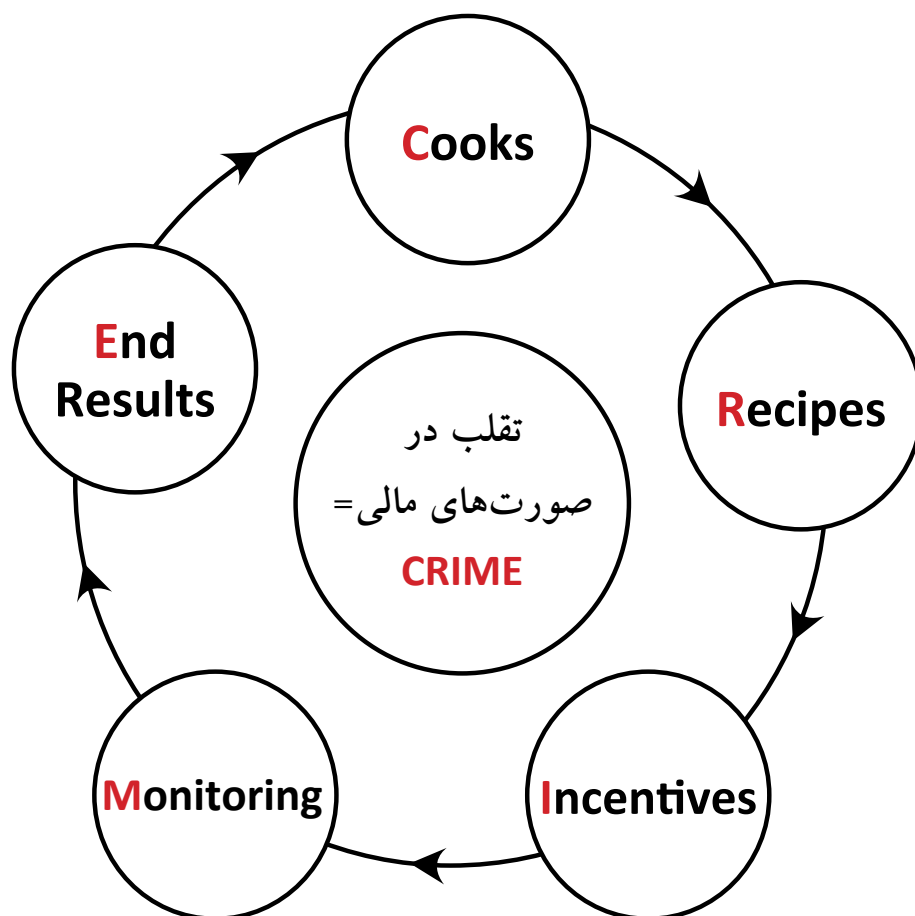
▣ حساب آرایه COOKS

براساس نظر رضایی (۲۰۰۲) (که مبتنی بر مستندات است) در بیش تر حالات یعنی بیش از ۸۰ درصد، تقلب در صورتهای مالی با مشارکت مدیر عامل یا مدیر مالی انجام می گیرد. اغلب تمام تقلبهای صورتهای مالی با مشارکت، تشویق، تصویب و آگاهی تیم مدیریت رده بالا شامل مدیریت اجرایی، مدیر مالی، رؤسا، خزانه داران و کنترلرها رخ می دهد.

نیستند زیرا آنها محرکهای خارجی برای رفتار متقلبانه ارائه می کنند. برای نمونه، فرصتها می توانند به عنوان یک کنترل رفتاری واقعی مورد ملاحظه قرار گیرند در حالی که کنترل رفتار ادراکی همان طور که از اسمش پیداست بازتاب ادراک شخص از چگونگی آسانی یا دشواری به کارگیری رفتار خاص به شمار می رود. به هر حال، مفهوم فرصت مشابه مفهوم مد نظر بک و آین (۱۹۹۱) است که "درجه ی موفقیت نه تنها به تمایل یا قصد و نیت شخص بستگی دارد بلکه همچنین به عوامل غیر انگیزشی مثل قابلیت دسترسی به فرصتها و منابع لازم (مثل زمان، پول، مهارت، همکاری دیگران و غیره....) نیز وابسته است. این مسئله مهم است چرا که نشان می دهد کنترل رفتاری ادراکی مرتبط با قصد و نیت است و با "فرصتها" و "منابع" که عوامل غیر انگیزشی به شمار می روند همگن نیستند.

▣ مفهوم CRIME

دکتر ذبیح الله رضایی، پنج عامل را که دارای تأثیر متقابل^{۳۳} نیز هستند به عنوان عوامل توصیف کننده تقلبهای صورتهای مالی مشهور و پر آوازه^{۳۴} می داند. این عوامل به ترتیب عبارتند از:



شکل شش: ارتباط بین عناصر CRIME، تقلب در صورتهای مالی



ساختگی، اغلب روش‌های جسورانه‌تری تلقی می‌شوند و نسبت به تقلب از طریق تأخیر در ثبت عمدی معاملات نیاز به توجه بیشتری از سوی حساب‌رسان و قانون‌گذاران دارد.

■ انگیزه Incentives

سومین حرف از کلمه‌ی CRIME یعنی دلالت بر انگیزه‌ای دارد که به توصیف انگیزه‌های مهم برای شرکت‌ها و حساب‌سازی‌های آن‌ها برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی می‌پردازد. انگیزه‌های اقتصادی نسبت به سایر انگیزه‌ها نقش بیش‌تری در ایجاد تقلب در صورت‌های مالی دارد. فشارهای اقتصادی و انگیزه برای دستیابی به پیش‌بینی‌های وال‌استریت، انگیزه‌های مهمی برای شرکت‌های سهامی عام برای انجام تقلب در صورت‌های مالی به‌شمار می‌رود. از جمله انگیزه‌های دیگر می‌توان به انگیزه‌ی روانی، خودبینی و خودپسندی اشاره کرد که در تقلب در صورت‌های مالی خیلی معمول نیست.

■ نبود نظارت Monitoring

اغلب اختلاس‌ها نه به دلیل نبود ابزار نظارتی بلکه به دلیل انجام نشدن صحیح نظارت رخ داده است. نبود نظارت راه را برای ارتکاب تقلب هموار می‌نماید. رضایی (۲۰۰۲) چندین سازوکار نظارتی را برای جلوگیری و کشف تقلب در صورت‌های مالی برشمرده است. راهبری شرکتی مسئول ساختار کنترل داخلی مؤثر و کمیته‌ی حسابرسی (با نظارت بر کار حسابرس داخلی، فرایند گزارشگری مالی و اثربخش بودن ساختار کنترل داخلی) نقش مهمی در جلوگیری و کشف تقلب در صورت‌های مالی ایفا می‌کند. به اعتقاد وی شرکت‌ها باید کمیته‌ی حسابرسی را به عنوان یک بخش دارای وظیفه‌ی نظارتی و دارای ارزش افزوده

این عامل مبنایی است تا مسئولان شرکت‌های هلدینگ (مادر) شخصاً مسئول رخداد تقلب در صورت‌های مالی و زیان‌ها و جرایم و بحران‌ها شناخته شوند. گزارش کمیته‌ی سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی (COSO)^{۲۵} بیان می‌دارد که در اغلب گزارش‌های تحقیقی تیم مدیریت رده‌بالا در تقلب دست داشته است. مدیر اجرایی در ۷۲ درصد، مدیر مالی ۶۳ درصد و کنترلر در بیش‌تر از ۲۱ درصد در تقلب نقش داشته‌اند. وی ضعف راهبری شرکتی خصوصاً ضعف در داشتن هیأت مدیره‌ی مؤثر و ضعف داشتن یک کمیته‌ی حسابرسی مؤثر را عامل این امر دانسته است.

■ روش‌های تقلب Recipes

به گفته‌ی رضایی (۲۰۰۲) تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند به روش‌های متنوعی رخ دهد به ترتیب از پرتکرارترین نوع آن یعنی تقلب در درآمدها گرفته تا تقلب‌های از نوع کم‌تکرار مثل تقلب در حساب‌های پرداختنی. انتظار از حسابرس آن است که روش‌های پرتکرار تقلب در صورت‌های مالی را کشف کند. رضایی (۲۰۰۲) همچنین معتقد است که مدیریت سود معمول‌ترین روش به‌کارگیری تقلب در صورت‌های مالی است. تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند از دست‌کاری در رویدادها یا معاملات تا تأخیر عمدی در شناخت و ثبت رویدادها و معاملاتی که رخ داده است، تغییر کند. نمونه‌ای از دستکاری و تحریف رویدادها و معاملات، بیش از واقع نشان دادن عمدی فروش‌ها به وسیله‌ی ایجاد صورت‌حساب‌های جعلی است در حالی که بیش از واقع بیان کردن عمدی فروش‌ها با استفاده از حمل کالا که بعد از پایان دوره گزارش ثبت می‌شوند نمونه‌ای از تأخیر عمدی در ثبت معاملات تلقی می‌شود. تقلب‌ها از طریق معاملات

تلقی کنند، نه صرفاً به رعایت الزامات جدید کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) تظاهر کنند.

اهمیت حسابرسی داخلی مؤثر و حسابرسی مستقل در جلوگیری و کشف تقلب در صورت‌های مالی، در نظریه‌ها و استانداردها و گزارش‌های آمرانه مورد حمایت قرار گرفته است. حساب‌رسان داخلی به عنوان نخستین سپر دفاعی در مقابل تقلب در صورت‌های مالی محسوب و حساب‌رسان مستقل به‌طور سنتی و تاریخی مسئول کشف تقلب در صورت‌های مالی هستند. فرایند گزارشگری مالی شرکت‌های سهامی عام شامل یک سازوکار نظارتی است. سازوکار نظارتی شامل این موارد است: ۱. وظیفه‌ی نظارت مستقیم مثل هیئت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی، حساب‌رسان مستقل و هیئت‌های قانون‌گذاری و ۲. وظیفه‌ی نظارت غیرمستقیم به‌وسیله‌ی کسانی که در نقش مالک/ سرمایه‌گذار شرکت به عنوان یک واسطه ظاهر می‌شوند مثل تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران نهادی و بانک‌های سرمایه‌گذار.

نظارت می‌تواند باعث ایجاد محیطی برای کاهش احتمال تقلب در صورت‌های مالی گردد. برای مثال فرایند گزارشگری مالی مؤثر و کافی و ساختار کنترل داخلی مربوط یا وجود راهبری شرکتی هوشیار می‌تواند احتمال تقلب در صورت‌های مالی را کاهش دهد. فرصت برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی زمانی افزایش می‌یابد که شرکت از لحاظ اخلاقی و به‌طور ساختاری الزامات اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری را رعایت نمی‌کند و از طرفی این فرصت تقلب زمانی افزایش می‌یابد که هم راهبری شرکتی مؤثر و هم مسئولی برای کشف و جلوگیری از فعالیت‌های گزارشگری مالی متقلبانه وجود نداشته باشد. اندازه‌ی نظارت فرایند گزارشگری مالی باید همبستگی معکوسی با احتمال رخداد تقلب در صورت‌های مالی داشته باشد. هیئت مدیره و نمایندگان آن‌ها در کمیته‌های حسابرسی مسئول نظارت بر صحت و کیفیت فرایند گزارشگری مالی در تهیه‌ی صورت‌های مالی مفید، قابل اتکا و مربوط هستند. کیفیت نظارت به‌وسیله‌ی هیئت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی، حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران نهادی و تحلیلگران مالی می‌تواند اثر بااهمیتی بر احتمال جلوگیری و کشف تقلب در صورت‌های مالی داشته باشند.

نتایج نهایی End Results

براساس پژوهش رضایی (۲۰۰۲) یافته‌های گزارش کمیسیون سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی (COSO) در سال ۱۹۹۹ در مورد گزارشگری مالی متقلبانه نشان داد که پی‌آمدهای مربوط به تقلب صورت‌های مالی می‌تواند بسیار

ناگوار باشد. این پی‌آمدها عبارتند از ورشکستگی شرکت (با ۳۶ درصد احتمال)، تغییر مالکان (با ۱۵ درصد احتمال) حذف از بورس اوراق بهادار ملی (با ۲۱ درصد احتمال) و کاهش در ارزش سهام (با ۵۸ درصد احتمال).

پی‌آمد یا نتایج انجام تقلب برای مدیر (از نوع تقلب حساب‌سازی در دفاتر^{۲۶} و...) عبارتند از: ۱. از دست دادن ارزش مزایای مبتنی بر سهام‌شان ۲. مجبور شدن به استعفا (که در مورد ۳۰ درصد مدیران اجرایی این عامل رخ داده است) ۳. محرومیت از طرف کمیسیون بورس اوراق بهادار که به موجب آن مدیران متقلب یک شرکت نمی‌توانند مدیریت شرکت سهامی عام دیگری را برعهده بگیرند ۴. محکومیت در قالب جریمه یا حبس. برای نمونه برنارد ابرز^{۲۷} (مدیر قبلی شرکت وردکام) به دلیل تقلب در صورت‌های مالی به مبلغ ۱۱ میلیارد دلار به ۲۵ سال حبس محکوم شد.

افشای تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند هزینه‌های قانونی و ریسک‌های بااهمیتی را بر حساب‌رسان نیز تحمیل کند. برای مثال در سال ۲۰۰۵ که شرکت زیراکس به بیش از واقع گزارش کردن سود به مبلغ ۳ میلیارد دلار متهم شد، کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) حساب‌رس این شرکت یعنی مؤسسه‌ی حسابرسی KPMG را به ۲۲ میلیون دلار جریمه محکوم کرد (Ettredge & others, 2007). فروپاشی مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی آرتور اندرسون^{۲۸} از جمله دیگر پی‌آمدها برای حساب‌رسان برای مشارکت در تقلب به‌شمار می‌رود.

خلاصه و سخن آخر

در این مقاله سه نظریه در مورد تقلب یعنی مثلث تقلب، نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی‌شده و مفهوم CRIME معرفی شدند که هر سه نظریه برای تحلیل عناصر به‌وجودآورنده‌ی تقلب مطرح شده‌اند. بدون تردید اختلاس و تقلب ذهن همگان را دچار جو روانی نامناسبی می‌کند که در کل بی‌اعتمادی در جامعه را به‌همراه دارد. مفهوم تقلب به عنوان یکی از موضوعات مهم که انتظار کشف آن، حساب‌رس و حرفه‌ی حسابرسی را با چالش جدی مواجه کرده است همچنان موضوع تحقیقات فراوانی است که نشان از جدی بودن مسئله‌ی وجود تقلب در گزارشگری مالی است. تاریخ نیز روشن‌گر آن است که هرگاه تقلب باعث ورشکستگی شرکتی شده است حساب‌رس نیز متهم ردیف اول شناخته شده است. از این‌رو، انجام تحقیقات در حوزه‌ی کاری حساب‌رسان در کشور ما ایران نیز به‌شدت ضروری است و نظریات مطرح شده در این مقاله می‌تواند مبنایی برای انجام تحقیق در مورد کشف تقلب باشد.

1. Fraud Triangle
2. Donald Cressey
3. Incentive
4. Pressure
5. Opportunity
6. Rationalization
7. Attitude
8. Wolfe & Hermanson
9. Fraud diamond
10. Individual capability
11. Theory of planned behavior
12. Intention
13. Attitudes towards the behavior
14. Subjective norms
15. Perceived behavioral control
16. Ajzen
17. Bailey
18. Cohen, et al
19. Fishbein & Ajzen
20. Beck & Ajzen
21. Ajzen & Driver
22. Moral obligation
23. Interactive factors
24. High-profile
25. Committee Of Sponsoring Organization Of Treadway Committee(COSO)
26. Cooking the books
27. Bernard Ebbers
28. Arthur, Andersen

منابع

11. Cohen, et al(2009) Managers Behavior In Corporate Fraud: The Fraud Triangle And The Theory Of Planned Behavior, (available online in www.papers.ssrn.com)
12. Coram & others(2008) Internal Audit, Alternative Internal Audit Structures and The Level of Misappropriation of Assets Fraud, (Available Online In www.papers.ssrn.com)
13. Duffield G and Grabosky P (2001) The Psychology of Fraud, Australian Institute of Criminology (available online in www.aic.gov.au)
14. Ettredge, M. et al(2007) Is Earnings Fraud Associated With High Differed Tax and or Book Minus Tax Levels? P.3(available online in www.papers.ssrn.com)
15. Ferguson, B(2010) The Shape of Deception: Understanding The Fraud Triangle (Available Online in www.ey.com Ernst & Young)
16. Merklin, E. J (2010) Triangle of Fraud-Take Step To Protect Your Company (Available Online In www.bobermankey.com)
17. Rezaee, Zabihollah(2002) Financial Statement Fraud, Prevention and Detection, John Wiley and Sons Inc. Chapter 3. pp 44_68
18. Ramos, Michael(2003) Auditors Responsibility for Fraud Detection, (Available Online In www.journalaccountancy.com)
19. Rudewicz, E. F(2008) The Fraud Diamond, (available online in www.cpa_resource.com)
20. TBP Diagram (available online in www.people.umass.edu)
21. www.oxforddictionaries.com
22. Wolfe, T.D and Hermanson, R.D(2004) The Fraud Diamond: Considering The Four Elements of Fraud, CPA Journal(available online in www.nysscpa.org)
1. بولو، قاسم(۱۳۸۲) تلاش برای ارتقای شفافیت حسابداری در کره، فصلنامه حسابر، شماره ۲۱، ص ۳۲
۲. بولو، قاسم(۱۳۸۲) مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب بر اساس بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی آمریکا، فصلنامه حسابر، شماره ۲۰، صص ۳۷-۴۵
۳. پوریانسیب، امیر(۱۳۸۴) حسابرسی تقلب، فصلنامه تحلیلی حسابداری رسمی، شماره ۶۵، صص ۴۱-۵۰
۴. توکلی، سمانه، سایت الکترونیکی پژوهشکده باقرالعلوم (www.pajoohe.com)
۵. تیموری، حبیب‌الله(۱۳۸۶) حسابرسی تقلبات و کارشناسی مالی(حسابداری) دادگاهی، ابزارها و فنون، تهران انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۸۸
۶. فاوچی، هادی(۱۳۸۳) رهنمودهای آسوسای (Asosi) برای مبارزه با تقلب و فساد (اکتبر ۲۰۰۳)، مجله دانش حسابرسی، شماره ۱۳ و ۱۴
۷. مرادی، مهدی و سلیمانی مارشک، مجتبی(۱۳۹۰) روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تقلب، فصلنامه دانش حسابرسی، شماره ۴۰
۸. وکیلی فرد، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۸) بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی، ماهانه حسابداری شماره ۲۱۰
9. Bell, D.E (2010) Internal Control Checklist: 5 Anti-Fraud Strategies To Deter, Prevent And Detect Fraud, (Available Online In www.corporatecomplianceinsights.com)
10. Carpenter D. T(2007) Audit Team Brainstorming, Fraud Risk Identification , And Fraud Risk Assessment: Implications Of Sas No.99 , p.2 (Available Online In www.papers.ssrn.com)